

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فریبرز سنجری
۱۱ جولای ۲۰۱۴

دستان خونین امریکا بر پرچم سیاه داعش!

نزدیک به سه هفته از حمله داعش به موصل و عدم مقاومت آشکار ارتش عراق و طبیعتاً سقوط این شهر مهم و بزرگ عراق و تحولات متعاقب آن می گذرد. این واقعیات به طور طبیعی این پرسش ها را در مقابل همه قرار داده است که این رویدادها حاصل چه اوضاعی است و عراق و منطقه با این یورش با چه شرایطی روبه روست؟

برای پاسخ دادن به این پرسش ها باید قبل از هر چیز به یاد آورد که عراق به دنبال حمله ارتش امریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ به اشغال امپریالیسم امریکا و متحدینش در این هجوم تجاوزگرانه در آمد، و امریکائی ها ضمن نابودی ارتش این کشور یکی از مأموران خود به نام "پل برمر" را به عنوان حاکم عراق تعیین نمودند. امریکائی ها که با شعار آزاد کردن مردم عراق از جنایتهای رژیم صدام حسین، لشکر کشی به عراق را توجیه می کردند، از همان ابتداء با یک سیاست استعماری به طور آگاهانه به تفرقه افکنی در میان ملیتها و مذاهب مختلف در عراق پرداختند تا جائی که حتی "کارت تجزیه" عراق به سه قسمت سنی و شیعه و کرد نشین نیز بر روی میز کار امریکائیا قرار گرفت؛ و بعداً هم جو بایدن، معاون رئیس جمهوری امریکا از طرحی مبنی بر تجزیه عراق به سه بخش سخن گفت. اما این پروژه ضد خلقی به دلایل مختلف در آن زمانها اجرا نشد. در عوض در بطن شرایط جدید ارتش اشغالگر امریکا به تدریج با سازمان دادن و تغذیه و تسلیح دسته جات مسلح ضد انقلابی زیر نام "سنی" و "شیعه"، با بمب گذاری و ترورهای دسته جمعی و فجیع و همچنین فضا سازی برای تشدید خصومت های قومی و مذهبی در عراق که کشتار و خانه خراب کردن مردم تحت ستم را به دنبال داشت، بحران در عراق را شدت بخشید. در این روند، تحت نظر امریکائی ها، کردستان عراق نوعی خودگردانی کسب کرد و احزاب بورژوائی کُرد کنترل کردستان را به دست گرفتند. در پروسه اشغال این کشور، امریکائی ها به تدریج ارتش جدیدی زیر رهبری خود در عراق سازمان داده و آن را به سلاح های امریکائی مجهز نمودند. بنابراین ارتش کنونی عراق از روز اول به وسیله امریکائی ها و زیر نظر مستشاران این قدرت امپریالیستی سازمان یافته است. در کنار سازمان دادن ارتش، قانون اساسی کنونی هم علم شد که بر پایه ملیت و مذهب تنظیم گشته بود و در نتیجه قدرت بین سه نیروی کردها، شیعه ها و سنی ها تقسیم گشت. قانون اساسی که امریکائی ها پز آن را می دادند و می گفتند که یکی از "پیشرفته ترین قانون های اساسی تاریخ جهان عرب" می باشد که "برابری جنسیتی و آزادی دین" در آن تصریح شده است! امری که در واقع نطفه اغتشاشات کنونی را در درون خود داشت. به این ترتیب رژیم کنونی جایگزین سیستم قبلی گردید که در انحصار حزب بعث و دیکتاتوری صدام بود. از سوی دیگر با توجه به این واقعیت که عراق دارای منابع عظیم نفت بوده و دومین صادر کننده نفت اوپک می باشد امریکائی ها فوراً منابع نفتی عراق را زیر سلطه خود در آورده و ضمن چپاول این ماده ستراتیژیک، بخشی از

هزینه های لشکر کشی خودشان به این کشور را نیز از این طریق تأمین نمودند. بنابراین منابع نفتی این کشور به عنوان یک کشور تک محصولی نفت خیز از پس از اشغال رسماً در زیر سیطره آمریکا قرار گرفت. بر این اساس واضح است که هر تحولی در این کشور رابطه مستقیمی با منافع غارتگرانه اقتصادی - سیاسی و نظامی آمریکا که آن را امری حیاتی برای خود اعلام نموده، پیدا می کند. با توجه به واقعیاتی که به آنها اشاره شد آنچه در این کشور به عنوان دولت عراق مطرح می شود در واقع دولت دست نشانده قدرت اشغالگر یعنی امپریالیسم آمریکا می باشد، دولتی که با کمک انتخابات هائی که زیر سلطه سرنیزه سربازان امریکائی برگزارگشته، تلاش شده است تا به عنوان حاصل آرای مردم عراق جا زده شده و تبلیغ گردد.

پس از آن که امپریالیسم آمریکا در این روند رژیم دلخواه خود را بر عراق تحمیل نمود، عدم ثبات، انفجار بمب و ناامنی به یکی از خود ویژگی های این کشور تبدیل شد و تقریباً روزی نبوده و نیست که ده ها و صد ها عراقی قربانی انفجار بمب هائی نشوند که دارو دسته های مختلف علیه هم کار می گذارند، سرانجام در زمان ریاست جمهوری جورج بوش، وی رسماً اعلام کرد که تا پایان سال ۲۰۱۱ سربازانش را از عراق خارج می کند. البته امریکائی ها قبل از به اصطلاح خروج از این کشور یک "توافقنامه امنیتی" بر دولت دست نشانده خود تحمیل نمودند که دستشان را برای هر مداخله لازمی باز می گذاشت. به این ترتیب در اواخر سال ۲۰۱۱ و در دوران ریاست جمهوری اوپاما امریکائی ها اعلام کردند که در حالی که در جنگ پیروز شده و "فضای دموکراتیک" و دموکراسی را در عراق برقرار نموده اند حال با ساختن دولت و ارتش عراق، این کشور را به خود عراقی ها سپرده و نیرو هایشان را خارج می کنند.

بنابراین هر کس بخواهد نه به طور ذهنی بلکه با تکیه بر واقعیت ها، به تحولات اخیر عراق نگاه کرده و آنچه می گذرد را درک کند باید در نظر بگیرد که اولاً عراق کشوری تحت سلطه امریکاست. در ثانی ارتش این کشور را امریکائی ها بر پا کرده اند و اگر چه آنها بیشتر نیروهای نظامی خود را خارج ساخته اند اما مستشاران و مزدورانی که سیاستهای مورد نظر آنها را در ارتش و دولت پیش می برند در آنجا بر جا گذاشته اند و سفارتی در بغداد بر پا کرده اند که بزرگترین سفارت آمریکا در جهان است. ثالثاً، منابع نفتی عراق اساساً به وسیله امپریالیستهای امریکائی غارت می شود. بنابراین در رابطه با تحولات اخیر عراق الزاماً باید آمریکا و کل منافع امپریالیستی آنها در این کشور را به حساب آورد.

از آنجا که تحولات اخیر عراق با یورش داعش شکل گرفت برای درک این تحولات باید ماهیت و موقعیت واقعی این نیرو را نیز در نظر گرفت. البته گروه های دیگری همچون "الحیث الاسلامی"، "جیش المجاهدین"، گروه "نقشبندیه" و برخی نیرو های دیگر هم در یورش اخیر به عراق با رهبری داعش نقش داشتند که شناخت آنها نیز ماهیت نیرو های مهاجم را روشن می سازد.

واقعیت این است که آنچه به نام "دولت اسلامی در عراق و شام" یا "داعش" شناخته می شود در تداوم فعالیتهای گروه بنیادگرای اسلامی "دولت اسلامی در عراق" به وجود آمده است. گروهی که در اکتوبر ۲۰۰۶ در عراق تشکیل شده بود و بسیاری از حمله های تروریستی در این کشور با نام آن گره خورده است. این گروه به وسیله کمک های مالی و تجهیزات نظامی اهداء شده از طرف شیخ نشین قطر و عربستان سعودی شکل گرفته است تا جائی که برخی از خبرگزارها از داعش به عنوان "فرزند قطر" نام برده اند. همچنین به گزارش خبرگزاری ورلد نت دیلی "world net" "daily" برخی مقامات اردنی اذعان نموده اند که: "دهها تن از اعضای گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در سال ۲۰۱۲ در اردن آموزش دیده اند و این خدمات به عنوان بخشی از کمک های مخفیانه به شبه نظامیانی بود که ابتداء قصد حمله به سوریه را داشتند". بنابراین داعش دست پرورده کشور هائی است که خودشان آشکارا نوکران حلقه به گوش امپریالیسم آمریکا می باشند. از آنجا که وابستگی عربستان و قطر به امپریالیسم آمریکا

واقعیتی غیر قابل انکار است بنابراین روشن است که این کشور ها، بدون چراغ سبز ارباب، میلیونها دلار صرف پرورش داعش نمی کردند. در این زمینه حتی خود رسانه های امریکائی هم کتمان نمی کنند که مثلاً قطر در سالهای اخیر نقش اساسی در پیشبرد خطوط دیکته شده از سوی نهاد های امنیتی امریکا و خصوصاً سیا(CIA) در منطقه داشته و دارد. در چهارچوب پیشبرد همان خطوط بود که داعش - و نه تنها این گروه - با پول و سلاح عربستان و قطر تجهیز شده و در طی سالهای اخیر هم دولت ترکیه خاک و مرز خود را در اختیار آنها گذاشته و با ارائه خدمات لجستیک به آنها امکان داده است تا هر جنایتی که می خواهند در سوریه و عراق انجام دهند. در این مورد بد نیست تا به اظهارات شهردار شهر کُردنشین ماردین ترکیه توجه شود که در گفت و گوی مطبوعاتی با استفانو مانسروسی رئیس هیأت اتحادیه اروپا که به ترکیه سفر کرده بود، خاطر نشان نمود که: "دولت حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، اجازه عبور عناصر گروه مسلح موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) از مرزهای این کشور به خاک سوریه را صادر کرده است." و "عناصر گروه موسوم به داعش به راحتی در مرزهای مشترک سوریه و ترکیه تردد می کنند".

حال با توجه به این واقعیات غیر قابل انکار باید دید که چرا داعش که چند سال است درگیر جنگ با دولت عراق و سوریه می باشد ناگهان به آنچنان موقعیتی دست پیدا می کند که موفق می شود با تعداد محدودی تروریست ریش رها کرده، ارتش دست ساز امریکا را فراری داده و موصل و چند شهر و شهرک بزرگ و کوچک را تسخیر کند؛ و تازه به این نیز قناعت نکرده و به سوی بغداد حرکت کرده و بزرگترین پالایشگاه عراق را زیر آتش می گیرد! همچنین باید دید که چرا علی رغم این که دولت امریکا اعلام می کند که داعش را یک "تهدید جدی" تلقی می کند اما به هیچ اقدامی جهت جلوگیری از قدرت گیری این عامل "تهدید جدی" دست نمی زند و حتی در مقابل درخواست کمک نظامی دولت عراق از امریکا برای مقابله با داعش، از این کار ظفره رفته و اعلام می کند که این امر وقتی مؤثر است که دولت عراق برنامه تشکیل "دولت فراگیر" را داشته باشد و این در شرایطی است که امریکا مدعی است در حال یک جنگ دایم و بی پایان با تروریسم و "بنیادگرائی اسلامی" می باشد. پس باید دید که چرا قدرتی که هر زمان دلش خواسته تحت عنوان "دخالش بشر دوستانه" کشورها را اشغال کرده است حال در جایی که از تهدید جدی داعش برای منافع حیاتی خود سخن می گوید از زبان وزیر خارجه اش رسماً اعلام می کند که "اگر ظرفیت لازم در عراق وجود نداشته باشد هرگونه حمایت امریکا از دولت و ارتش عراق با ناکامی و شکست روبه رو خواهد شد." این در حالی است که عملاً هم تا امروز امریکا تنها به اعزام تعداد معدودی نیرو برای حفاظت از سفارت خود در بغداد و یا امور آموزشی و مشورتی اکتفاء کرده است. همه اینها معنایی جز چراغ سبز دادن به داعش برای ادامه حملات خود و تداوم بحران فعلی از طرف امپریالیسم امریکا ندارد.

البته این "چراغ سبز" از روی قرآنی مثل روشن شدن این امر که سفارت امریکا در بغداد از قبل نسبت به حمله "داعش و باقی مانده های حزب بعث" به موصل و دیگر استان های عراق اطلاع داشت اما کاری نکرد و یا دستور مقامات بالا در ارتش به فرماندهان مبنی بر عدم مقاومت در مقابل یورش داعش نیز قابل فهم بود. در همین رابطه همچنین اظهارات رئیس سازمان اطلاعات و امنیت اقلیم کردستان عراق در مصاحبه با نشریه دیلی تلگراف نیز قابل تأمل است که اعلام کرد: "اطلاعات مرتبط با طرح ریزی تروریست ها و همپیمانان آنها برای تصرف شمال عراق پنج ماه پیش در اختیار MI6 و CIA قرار گرفته بود اما دولت های انگلیس و امریکا اقدامی در این زمینه انجام ندادند." بنابراین قبل از این که امریکائی ها مجبور شوند از زبان وزیر خارجه خودشان در سفر به عراق اعلام کنند که امریکا "قصدی برای جلوگیری از پیشروی داعش ندارد"، امریکا عملاً نقش خود را در شکل گیری این بحران آشکار ساخته بود. اما امروز سیر رویدادها کار را به جایی رسانده که خودشان آن را فریاد زده و روشن می کنند که چگونه جنایات

فاشیستی داعش و از جمله کشتار و اعدام های دسته جمعی و مصلوب ساختن قربانیان در ملاء عام و ادعاهائی چون برافراشتن "پرچم اسلام" بر عراق و سوریه - که حال پا را فراتر هم گذاشته و خود را "حکومت اسلامی" می نامد- نقش آتش افروزی در کوره یک بحران بزرگ را ایفاء می کند که امپریالیسم امریکا در آن مشغول پختن نان خود است. از قرار آن چه که از سوی مقامات امریکائی در اعلامیه های رسمی به دروغ "تهدید جدی" برای امریکا خوانده می شود نه تهدید بلکه فرصتی طلائی است که برنامه ریزی شده تا تسهیل کننده پیشبرد سیاستهای چپاولگرانه شان در عراق و منطقه باشد.

با توجه به این واقعیت که دو طرف این درگیریها یعنی دولت نوری المالکی حاکم بر عراق و دار و دسته تروریست و اسلام گرای "داعش" آبخور واحدی دارند، می توان دستان سیاه امپریالیسم امریکا را در پشت رخداد های عراق و بر پرچم سیاه داعش به روشنی دید. بنابراین حقایق جاری و فاکت های غیر قابل انکار حاکی از آنند که رویدادهای عراق خواست و نقشه خود امریکاست و امریکائی ها در تلاش اند تا به کمک وابستگانشان در منطقه باز و یک بار دیگر حریقی خانمانسوز در کل منطقه بر افروزند و با سوزاندن حیات و هستی توده ها در آتش بحران، منافع و سیاستهای جهانخوارانه خویش را این بار به این شکل به پیش ببرند.

واقعیت این است که در شرایط تداوم بحران اقتصادی گریبانگیر نظام امپریالیستی در سالهای اخیر و رکودی که نشانی جدی از برطرف شدن سریع آن بر اقتصاد امریکا دیده نمی شود، دمیدن بر آتش بحران و جنگ و ناامنی و به این بهانه تقویت اقتصاد مبتنی بر میلیتاریزم، به عنوان یک راه حل غیر قابل اجتناب برای تخفیف این بحران، در مقابل امپریالیسم امریکا و شرکاء قرار گرفته است. واقعیتی که نشان می دهد امریکائی ها در شرایطی قرار گرفته اند که به بحران و تشنج آفرینی حتی از آنچه تا کنون ایجاد کرده اند هم بیشتر نیازمند اند. بدیهی ست که چنین آتش افروزی نه تنها خطر تجزیه عراق را تشدید کرده، بلکه هر لحظه هم ممکن است آتش این درگیریها به کشور های همسایه نیز سرایت کرده و کل منطقه را فراگیرد. به خصوص که جمهوری اسلامی تحت پوشش دفاع از دولت کنونی عراق و "حفاظت از اماکن متبرکه شیعه" پاسدارانی هم به عراق فرستاده و دولت عربستان نیز هزاران سرباز را برای تقویت مرزهای خود با عراق به این مناطق منتقل نموده است.

از سوی دیگر امریکائی ها با باد کردن در جثه داعش و فراهم کردن شرایط عدم مقاومت ارتش دست ساز خود در مقابل آن که به موفقیت های تاکنونی داعش و دستیابی وی به حجم بزرگی از سلاح های سنگین امریکائی ارتش عراق منجر گردید و از طرف دیگر انداختن این دارودسته تروریست به جان رژیم دست نشانده خود، آگاهانه بر آتش بحرانی دمیدند که نه تنها عراق را هر چه بیشتر نا امن ساخته بلکه با توجه به حضور داعش در سوریه آتش جنگ در سوریه را هم بیشتر خواهد کرد و به آنها امکان می دهد که شکستهایشان در سوریه و ناتوانی شان در تغییر دیکتاتور این کشور -بشار اسد- و قطع نفوذ رقبایشان -روسیه- در این منطقه را با شعله ور کردن هر چه بیشتر آتش جنگ تا حدی سرو سامان دهند.

دولت امریکا در جریان اشغال عراق ضمن سازمان دادن جنگ و گسترش شرایط جنگی و ایجاد زمینه بمب گذاری و کشتار و خانه خراب کردن حیات مردم بی گناه عراق جریانی را آفرید و پروراند که اکنون در تحولات جاری به یک هیولای خونخوار علیه تمامی مردم تحت ستم منطقه بدل شده است. آنتشی که این هیولا بر می افروزد و ناامنی و فضای جنگی که با استناد به رشد این هیولا آگاهانه بدان دامن زده می شود، صرف نظر از هر استفاده دیگری که جهت پیشبرد سیاستهای کلی امریکا در منطقه و در رقابت با امپریالیست های دیگر و نیز تأثیر گذاری بر بازار نفت به نفع وی در بر دارد، به طور مشخص بازار مستعد بسیار بزرگتری برای فروشندگان تبهکار تسلیحات جنگی ایجاد می کند و به واقع ایجاد کرده است. وجود هیولای داعش با جنایت های وحشتناک و اعمال ضد خلقی اش و با ایجاد جنگ و

کشتار و خونریزی بزرگ در عراق و منطقه در حقیقت به پیکر فرتوت اقتصاد دستخوش رکود نظام امپریالیستی، اکسیژن می‌رساند.

مطالعه رویدادهای جاری در عراق و ظهور جریان بنیادگرائی هولناکی که توسط امپریالیسم امریکا و نوکران آن تغذیه و تسلیح و آموزش دیده اند نشان می‌دهد که آنچه که اکنون در این کشور شاهد می‌باشیم نتیجه منطقی و حاصل سیاستهای امپریالیستی دولت امریکا در عراق از سال ۲۰۰۳ به این طرف و در جهت منافع کثیف و ضد خلقی این دولت می‌باشد. بدون تشخیص نقش غیر قابل انکار امپریالیسم و به طور مشخص دولت امریکا در اوضاع مرگباری که توسط داعش و حامیان آن در عراق و منطقه ایجاد شده هیچ تحلیلی قادر به توضیح درست تحولات جاری در عراق نخواهد بود. امریکائی‌ها با ایجاد ناامنی شرایط را برای توسل به میلیتاریزم هر چه بیشتر مهیا می‌سازند. میلیتاریزمی که ذاتی امپریالیسم بوده و یکی از روشهای همیشگی سرمایه داران برای غلبه بر بحرانهای ذاتی نظام استثمارگرانه شان می‌باشد. بی دلیل نیست که در همین چند سال گذشته و علی‌رغم رکود حاکم بر اقتصاد امریکا وکل نظام سرمایه داری در غرب سود چند انحصار بزرگ تسلیحاتی امریکا به طور بیسابقه ای افزایش یافته است. بنا به گزارشات منتشره از سوی مؤسسه "مورگان استانی" به تاریخ ۹ جون ۲۰۱۴ سود سهامداران سه کمپانی عظیم تسلیحاتی یعنی "ری تنون"، "نورت تراپ گامان، و "لاکهد مارتین" تنها در طول سه سال گذشته به ترتیب ۱۲۴ درصد، ۱۱۴ درصد و ۱۴۹ درصد رشد کرده است. برآستی در شرایط رکود چگونه می‌توان بازار این انحصارات را بدون توسل به بحران و ایجاد ناامنی و جنگ در گوشه و کنار جهان رونق بخشید؟ برندگان واقعی این بحران که به قیمت ایجاد یک حمام خون جدید، جنگ و ویرانی های هولناک بیشتر در زندگی مردم عراق ایجاد شده جز امپریالیسم امریکا و از جمله انحصارات تسلیحاتی نظامی آن نیستند.

بنابراین جدا از این که تحولات عراق چه سمت و سوئی بگیرد و سرنوشت عراق و منطقه در این بحران چگونه رقم بخورد، واقعیات نشان می‌دهند که امپریالیستها با توسل به بنیاد گرائی اسلامی در همه جا در حال بحران سازی و ناامن کردن کشورها هستند تا شرایط را برای پیشبرد سیاستهای غارتگرانه شان آماده سازند. اگر تا دیروز این نقش را بیشتر "القاعده" بازی می‌کرد حال "بوکو حرام" در نیجریه، "الشباب" در سومالی و "جبهه النصر" و "داعش" و ده ها گروه ریز و درشت در سوریه و... همان وظیفه را پیش می‌برند. به همین دلیل هم بنیاد گرائی اسلامی که داعش جلوه ای از آن می‌باشد جز ابزاری جهت گسترش سلطه امپریالیسم و پیشبرد سیاستهای آنها نبوده و نیست. امری که امروز به عربانی در تحولات عراق در مقابل چشم همگان قرار گرفته است.

۱۵ تیر [سرطان] ۱۳۹۳ - ۶ جولای ۲۰۱۴